

رسانه جهانی خاندان سلطنت چگونه در جهان نفرت پراکنی می کند؟

سرطان انگلیسی!

امیر فرشایف
روزنامه‌نگار

طی این چهاردهه‌ای که از تاریخ انقلاب اسلامی می‌گذرد، بر پژوهشگران مسلح شده است که رسانه‌های فارسی زبان خارج نشین، نه تنها ماهیت مستقلی ندارند؛ بلکه به لحاظ مالی، تشکیلاتی و محتوایی به‌دولت‌هاو سازمان‌های متخاصم با ایران وابسته‌اند و این دولت‌ها و سازمان‌ها هستند که سیاست و رویکردهای محتوایی و اجرایی این رسانه‌ها را تعیین می‌کنند. راه میانبر برای تشخیص این وابستگی، بررسی و واکاوی ساختارهای تشکیلاتی و خروجی محتوایی این رسانه‌ها است. چنین کاری با توجه به کثرت رسانه‌های مذکور، در یک نوشتار مقدور نیست، از همین رو، بهتر است به‌طور سریالی در هر شماره به یکی از قطب‌های پیشران عملیات روانی ضدانقلاب پرداخته شود. برای این کار، در ابتدا به سراغ بنگاه خبرپراکنی بی‌بی‌سی فارسی می‌رویم که هم به لحاظسابقه تاریخی و هم به لحاظدامنه تأثیر و خروجی محتوایی و معیارهای دیگر، نسبت به هم قطاران و رقبای خود، تقدم دارد. هرچند بر نظاران پوشیده نیست که خصوصاً پس از پروژه فشار حد اکثری ترامپ و توجه ویژه دولت‌های

تاریخ و جغرافیای کاری رادیو و تلویزیون بی بی سی رادیو بی‌بی‌سی فارسی، در دسامبر ۱۹۴۰ یعنی در اولین سال پس از شروع جنگ جهانی دوم با هدف مقابله با متحدین و به‌طور خاص، برای مقابله با نفوذ دولت آلمان در ایران تأسیس شد. رقیب اصلی رادیو بی‌بی‌سی در آن مقطع، رادیو برلین (فارسی زبان) بود که ایده آن توسط گوپلس (وزیر تبلیغات رایش) در سال ۱۹۳۸ و دو سال قبل از بی‌بی‌سی فارسی عملیاتی شد. از این جهت، می‌توان گفت بی‌بی‌سی فارسی به لحاظ زمانی از نخستین رسانه‌های فارسی زبان است، هرچند که فقط به لحاظ زبانی، رسانه‌ای فارسی زبان محسوب می‌شود؛ زیرا به لحاظ ماهوی و محتوایی، رسانه‌ای وابسته به دولتی بیگانه و متخاصم (وزارت خارجه انگلستان) بوده که همواره از بدو تأسیس، منویات این دولت را اجرا کرده و می‌کند. شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی فارسی اما رسانه‌ای جدیدتر است و سابقه تأسیس آن به زمستان سال ۱۳۷۸ (چند ماه قبل از آشوب خیابانی سال ۱۳۸۸) بازمی‌گردد و آنچه در این نوشتار موضوعه‌شک دارد، تحلیل عملکرد و ساختار همین شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی فارسی است، نه بخش رادیویی آن، هرچند که در موضعی ناگزیر از ذکر

آمار منتشر شده توسط بی بی سی در مورد بودجه سالانه تمام بخش‌های آن (اعم

از انگلیسی، فارسی و عربی و…) مؤید دریافت بالغ بر ۴ میلیارد و ۷۰۰ میلیون پوند است که وزارت خارجه انگلیس آن را پرداخت می‌کند. بودجه شبکه تلویزیونی بی بی سی فارسی نیز به گفته مدیران ارشد آن در سال ۲۰۱۵، معادل ۱۵ میلیون پوند (۲۲ میلیون دلار) در سال بوده که طبق ادعای مقامات این شبکه، توسط وزارت امور خارجه انگلستان پرداخت می‌شود

نقش رادیوی بی‌بی‌سی هم می‌شویم.

به لحاظ جغرافیایی، بی‌بی‌سی فارسی سعی دارد تمام مناطق فارس زبان را پوشش بدهد، از این جهت است که تولید محتوای بخش فارسی آن (شامل رایو و تلویزیون و سایر ابزارها) صرفاً به ایران اختصاص نداشته و شامل کشورهای افغانستان و تاجیکستان هم می‌شود. در تحلیل این اقدام باید توجه داشت که این برنامه به‌طور کلی ذیل سیاست خارجی استعماری دولت انگلیس و توسعه طلبی کنونی آن تعریف می‌شود. اگر از این منظر به‌مسئله بنگریم ملاحظه خواهیم کرد که چند هدف بر این پوشش منطقه‌ای مترتب می‌شود: نخست، مقابله با نفوذ فرهنگی و سیاسی ایران در آسیای مرکزی، دوم، حفظ نفوذ سنتی و تاریخی و فرهنگی انگلستان در این منطقه و سوم، زمینه‌سازی برای تثبیت و تقویت نفوذ سیاسی دولت انگلیس.

■ **یهودیان لندن و دولت انگلیس؛ تأمین کنندگان بودجه بی بی سی**

آمار منتشر شده توسط خود سرویس جهانی بی‌بی‌سی در مورد بودجه سالانه تمام بخش‌های آن (اعم از انگلیسی، فارسی و عربی و…) مؤید دریافت بالغ بر

امریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی به طیف‌های غیررسمی و خطرناک‌تر ضدانقلاب همچون سازمان منافقین و فرسگرد و مانند آنها، از تعداد مخاطبان رسانه‌های رسمی همچون بی بی سی فارسی کاسته شده‌است. علت دوم کاهش سطح کیفی تولیدات و میزان مخاطبین بی‌بی‌سی نیز به انتقال برخی مدیران، مجریان و خبرنگاران با سابقه این شبکه به رسانه‌های رقیب همچون ایران اینترنشنال بازمی‌گردد که در مقابل پیشنهادهای وسوسه‌انگیز این رسانه وابسته به دربار سعودی نتوانستند مقاومت کنند و در نهایت به استخدام ایران اینترنشنال درآمدند. علت دیگر و مهم‌تر به تحولات درون شبکه‌ای بی‌بی‌سی و جابه‌جایی مدیریتی در این شبکه بازمی‌گردد.

پس از اینکه صادق صبا بی بی سی را ترک کرد و رزینا لطفی (از مؤسسان بهایی بی بی سی) جای او نشست، اختلافات داخلی شبکه بالا گرفت و کارکنان قدیمی بی بی سی یان این شبکه را به قصد ایران اینترنشنال ترک کردند یا بی‌سروصدا درون همین شبکه منزوی و به تعبیری حتی ممنوع‌التصویر شدند.

۴ میلیارد و ۷۰۰ میلیون پوند است که وزارت خارجه انگلیس آن را پرداخت می‌کند. بودجه شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی فارسی نیز به گفته مدیران ارشد آن در سال ۲۰۱۵، معادل ۱۵ میلیون پوند (۲۲ میلیون دلار) در سال بوده که طبق ادعای مقامات این شبکه، توسط وزارت امور خارجه انگلستان پرداخت می‌شود. شبکه بی‌بی‌سی فارسی، رسانه‌ای دولتی است که فارغ از مبادی رسمی دریافت بودجه، باید به افراد و جریان‌های ذی نفوذ یهودی در تأمین مالی و تعیین خط‌مشی‌های این شبکه اشاره کرد، موضوعی که چندی پیش کوروش بیبان مدیر یهودی شبکه لس آنجلسی «جام جم» از آن پرده برداشت و در گفت‌وگو با شهرام همایون به نقش «جف کوهن» و پسرعمویش «جف کلاین» در تأمین منابع مالی بی‌بی‌سی فارسی و شبکه سلطنت طلب «بی‌تو» در لندن اشاره کرد.

به لحاظ سازمانی، بخش فارسی بی‌بی‌سی، شامل رادیو، تلویزیون، وب سایت، صفحه توئیتر، صفحه اینستاگرام و کانال تلگرام زیرمجموعه‌ای از سرویس جهانی بی‌بی‌سی است که رزینا لطفی ریاست آن را برعهده دارد و همان‌طور که گفته شد فعالیت آن به زبان فارسی برای کشورهای ایران، تاجیکستان و افغانستان صورت می‌گیرد.



■ **دو رخداد تاریخی و دو عملیات روانی علیه ایران**

دو رخداد در تاریخ کشور را که بی‌بی‌سی فارسی مستقیماً روی آنها نقش داشت می‌توان به‌عنوان اقدامات نمادینی در جهت ایران‌ستیزی این رسانه انگلیسی تلقی کرد؛ نخست، کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و

دیگری براندازی نرم سال ۱۳۸۸. درمورد هر دو رخداد آن قدر سند و نشانه پیرامون نقش رادیو و تلویزیون بی‌بی‌سی فراوان است که نیاز چندانی به بازخوانی متون تاریخی نیست، ولی از باب اینکه متن، خالی از استناد تاریخی نباشد، می‌توان به گزارش یکی از کارشناسان سازمان CIA در مقطع کودتای ۲۸ مرداد اشاره کرد. براساس گزارش دونالد ویلبر (کارشناس سیا)، اسدالله رشیدپستی (مهره انگلیسی مآب دربار پهلوی) به شاه گزارش داد که از رادیو بی‌بی‌سی فارسی هم درخواست کمک شده تا شاه اطمینان حاصل کند که دولت‌های آمریکا و انگلیس از کودتا حمایت می‌کنند. او می‌گوید قناری شد که رادیو بی‌بی‌سی فارسی جمله «الان نیمه شب است» را به «الان دقیقاً نیمه شب است» تغییر دهد تا شاه آن را بشنود و مطمئن شود که آمریکا و بریتانیا از طرح

سرنگونی دولت مصدق پشتیبانی می‌کنند. نقش تلویزیون بی‌بی‌سی فارسی در اغتشاشات سال ۱۳۸۸ و استفاده از اسم رمز «تقلب» در طرح براندازی آن سال نیز قابل انکار نیست. زمینه‌سازی روانی برای باورپذیر کردن دروغ تاریخی تقلب، معرفی مناطق درگیری، انعکاس مواضع فتنه گران و تخریب وجهه حاکمیت و دولت نهم از اصلی‌ترین رویکردهای جنگ روانی این شبکه در آن ایام بود. همچنین با اینکه ساعات پخش تلویزیونی این شبکه محدود بود؛ اما در طول ایام درگیری‌ها و اغتشاشات خیابانی سال ۸۸، ساعات تولید برنامه خود را به حالت شبانه روزی و ۲۴ ساعته افزایش داد.

■ **بی بی سی فارسی و پستوی پرحاشیه‌اش**
دی ماه ۹۴ و همزمان با تغییر مدیریت بی بی سی، خبرگزاری مشرق در گزارشی از فساد مالی سرشبکه خبرنگاران و فعالان سیاسی و حقوق بشری خارج از کشور پرده برداشت. در این گزارش به نام افرادی مانند حسین باستانی و مسعود بهنود برمی‌خوریم که مبالغ هنگفتی را از سازمان‌ها و بنیادهای ضدایرانی نظیر بنیاد «هیفوس» برای شبکه‌سازی در داخل کشور میان خبرنگاران همسو، دریافت کرده‌اند. در بخشی از این گزارش آمده است:

«پس از افشای خانه تیمی و بازداشت حلقه‌های ارتباطی آن در داخل کشور، فسادهای مالی سرکرده‌های این گروه نیز علنی شد و مشخص شد بخش اعظم پول‌های گرفته‌شده از بنیادهای برانداز نظیر هیفوس توسط افرادی نظیر حسین باستانی، هرگز برای اهداف مورد نظر هزینه نشده و اختلاس صورت گرفته است. حجم رسوایی به حدی رسید که تأمین‌کنندگان مالی «روزآتلاین» تصمیم به تعطیلی آن گرفتند.»

نکته قابل ذکر دربار این گزارش این است که اسامی مذکور مانند حسین باستانی و مسعود بهنود از اصلی‌ترین گردانندگان بی‌بی‌سی فارسی هستند که پیش از تأسیس شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی فارسی، روزنامه‌ای اینترنتی به نام «روزآتلاین» را با حمایت دولت هلند و پارلمان اروپا راه انداختند که در اداره اطلاعات مستعمرات. انگلیس یا توسل بر سرویس مخوف اطلاعاتی اش - طبق اسناد و گزارش‌های متعدد مستند - اثبات کرده است که به وقت عاقبت حتی به دوستان خود رحم نکرده و از آنها استفاده ابزاری در جهت نیل به هدف می‌کند. از این دست، می‌توان به ترغیب امریکای جهت زباده‌خواهی، جنگ طلبی و اشغالگری - که تشنه قدرت نمایی است - اشاره داشت. استراتژی زیرکانه‌ای که نه تنها استعمارگر پیر را بتدریج به هدف غایی خود می‌رساند، که با تخریب نام آمریکا و منقور واقع شدن این کفتار تشنه قدرت، مانع از قلاذه گشادن آن گشته، سایه آن را کمرنگ کرده و برای همیشه -همان‌طور که همیشه بوده - در کنترل انگلیس باقی خواهد ماند. بررسی روانشناختی MI5 و MI6 نشان از میل تمام‌ناپذیر انگلیس به تمامیت‌خواهی و حضور در تمام نقاط دنیا حکایت دارد و در این مسیر، گاه از سیاست به گردن «آستین» انداختن و گاه از سیاست «یک بام و دو هوا» نهایت بهره را می‌برد؛ غافل از آنکه روزی آتش فتنه شعله پراکنجته در جهان امروز، دامن افروزنده خود را گرفته و تحفه آن حریق است که تا پای نابودی فرو نمی‌نشیند.

■ **تکرار می‌شود؛ اسم رمز کودتا!**

«آکتون ساعت دقیقاً دوازده نیمه شب است». این جمله به‌ظاهر ساده اسم رمز کودتایی بود که اولین قدم‌های حرکت به‌سمت سلطنت مشروطه را در ایران ناکام گذاشت و تشکیل دولتی مبتنی بر خواست مردم را سال‌ها به تعویق انداخت. هر چند کودتای ۲۸ مرداد و سرنگون کردن دولت دکتر مصدق را عمدتاً متوجه امریکا می‌دانند، اما همین که اسم رمز آغاز عملیات را گوینده رادیو بی‌بی‌سی به زبان آورده نشان می‌دهد که سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی انگلستان هم با کودتاچیان داخل ایران همکاری داشته‌اند. صنعت نفت در بزرگترین دارایی برون مرزی انگلستان بود پس عجیب نبود که ام‌آی‌سیکس با سی‌آی‌آی همچنین سازمان اطلاعاتی انگلستان در دو آژانس داخلی و خارجی وظایف خود را پیگیری کرده و می‌کند. درحالی‌که ام‌آی‌سیکس وظیفه جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به اشخاص و گروه‌های خارج از انگلستان را برعهده دارد، وظیفه ام‌آی‌فایو انجام عملیات جاسوسی و ضدجاسوسی در داخل خاک انگلستان است. ما این، مهم‌ترین دخال‌ت مستقیم سرویس اطلاعاتی انگلیس در ایران باشد اما سابقه شکل‌گیری و فعالیت این سرویس به سال‌ها پیش از این برمی‌گردد. سرویس مخفی‌ای که پدرجد سرویس ام‌آی‌سیکس امروزی به حساب می‌آید، در سال ۱۵۶۹ و دوره الیزابت اول

تأسیس شد. این سرویس در آن زمان بیشتر وظیفه فعالیت در داخل انگلیس را برعهده داشت و برای حفظ نهاد سلطنت را‌اندازی شده بود اما رفته‌رفته با گسترده‌ترشدن مستعمرات انگلیس در گوشه و کنار دنیا، نیاز به یک سازمان که بتواند اطلاعات مربوط به مستعمرات را به دربار انگلیس برساند بیشتر احساس می‌شد و سرویس مخفی دائم بزرگتر می‌شد تا آنکه اندکی پیش از جنگ جهانی اول و برای هماهنگ‌کردن فعالیت‌های اطلاعاتی متفقین، با اقدامات «سر منسفیلد کامپینگ» سازمان تازه‌ای پیداکرد و از یک سرویس مخفی بدل به سازمانی گسترده‌تر شد.

■ **سرویس اطلاعاتی به سبک قرن بیستم**
در طول جنگ اول، ام‌آی‌سیکس در خدمت نیروی نظامی انگلیس بود. پس از سرنگونی تزار روسیه در سال ۱۹۱۷ و پیش از انقلاب بلشویکی، سازمان اطلاعاتی انگلیس از حکومت موقت الکساندر کرنسکی حمایت مالی و اطلاعاتی کرد. پس از انقلاب اکتبر و به‌قصد رسیدن لنین در روسیه سرویس مخفی انگلستان، عمده تمرکز وتوان خود را برای مقابله با بلشویسم روسی به کار گرفت؛ حتی در عملیاتی غیررسمی به سال ۱۹۱۸، در شوروی اقدام به کودتا و تلاش برای ترور لنین کرد که البته ناکام ماند.

سرویس اطلاعاتی مخفی انگلیس در سال‌های پس از جنگ، سویا فعالیت برای کنترل مستعمرات، عمدتاً بر تقابل با شوروی متمرکز بود و حتی در سال‌های قبل از ۱۹۳۰ به همین منظور با حزب نازی آلمان هم همکاری داشت اما به مرور و با تبدیل آلمان هیتلر به تهدیدی برای امنیت اروپا، این همکاری قطع شد و سرویس اطلاعاتی علیه‌نازی‌ها فعالیت کرد، تا آنجا‌که کل سیستم اطلاعات مخفی انگلستان (secret intelligence service)، که

نقش فعالانه‌ام‌آی‌سیکس در ظهور و افول معمر قذافی را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. پس از سقوط قذافی، بسیاری از اسناد محرمانه وزارت امنیت لیبی به‌دست رهبران شورای انتقالی افتاد. این اسناد شامل اطلاعاتی از طرح‌های ترور و فسادهای مالی ام‌آی‌سیکس در همکاری با دیکتاتور لیبی بود. طبعاً بخش زیادی از اطلاعات درباره دامنه فعالیت‌های بزرگترین سرویس اطلاعاتی دنیا و عملیات‌های آن تا سال‌ها ناشناخته و مسکوت باقی می‌ماند اما یکی از زیرسروصداترین اقدامات سرویس اطلاعاتی انگلستان که گریبان خاندان سلطنتی را گرفت، مرگ مشکوک پرنسس دایانا و نامزدش، دودی الفایید بود. طبق اظهارات پدر دودی، ردیای فعالیت‌های ام‌آی‌سیکس در ماجرای تصادف عروس خاندان سلطنتی دیده می‌شود. گرچه ابعاد این ماجرا هیچ‌گاه به‌روشنی مشخص نشد اما خودش گویای این مطلب است که سرویس اطلاعاتی انگلستان، خارج از چهارچوب نهادی و قانونی، کاملاً به خاندان سلطنتی و رأس قدرت نظام پادشاهی وفادار است.

انگلیس برای قرن‌های متعددی بزرگترین کشور استعمارگر دنیا بوده است و مستقیم یا غیرمستقیم و با هر ابزاری که در اختیار داشته به‌چپاول کشورهای مختلفی در اقصی نقاط دنیا دست زده و قطعاً ام‌آی‌سیکس یکی از مهم‌ترین ابزارهای انگلستان برای قتل و ترور کودتا و عملیات‌های مشابه آن بوده است.

به نظر می‌رسد با توجه به سابقه طولانی سرویس‌های جاسوسی و اطلاعاتی انگلیس و بالاخص MI6، طرح‌هایی چون خاورمیانه جدید، تجزیه افغانستان، تجزیه عراق و مهم‌تر از همه تجزیه ایران، از آن دسته خواب‌های جدی است که صاحبان پنهان قدرت برای خاورمیانه دیده‌اند. بستر غنی نفت و گاز این منطقه، جاب‌هاست که نظر استعمارگر پیر را به رسماً تأیید نشده بود و اخبار و مطبوعات هیچ‌گاه گزارشی از این سازمان و فعالیت‌هایش تهیه نکرده بودند و حتی بودجه این دستگاه و قوانین

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir

چگونه سرویس اطلاعات مخفی انگلیس

به‌عنوان ابزار استعمارگری

در خدمت خاندان سلطنت بود؟

میراث ننگین ملکه

الیه اکبرزاده / یکی از اقدامات مهم دولت سیزدهم را می‌توان تحقق همگرایی اقتصادی منطقه‌ای در ازای به‌صفر رساندن مداخلات بیگانگان در مناسبات منطقه‌ای عنوان کرد. این عمل هم موجب خنثی‌سازی کنش‌های محدودسازی چون تحریم‌های غرب و هم موجب هم‌افزایی در برابر تهدیدات منطقه‌ای خواهد شد. یکی از زمینه‌های موجود، دیدگاه نگاه به منطقه و شرق است که تاکنون با اجرایی شدن فرایندهای آن توانسته به این امر کمک کند. بر این اساس، چین به‌عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان و مهم‌ترین شریک ایران در شرق، در صدر این فهرست قرار دارد. با اینکه در دولت قبل به‌دلیل بی‌توجهی به ظرفیت‌های موجود منطقه‌ای، تمام نگاه‌ها معطوف به غرب و وعده‌های غرب شد، اما دولت سیزدهم در جریان رقابت‌های انتخاباتی، با نگاه واقع بینانه و به‌کارگیری پتانسیل عینی موجود، ریل‌گذاری جدیدی را رقم زد که دیدگاه جدید و میسوطی از سیاستگذاری‌های خارجی را برهمگان عرضه داشت. بازخورد این دیدگاه در موضع‌گیری‌ها و تمایل به ارتقای روابط با ایران در سخنان مقامات منطقه و حتی جهان کاملاً مشهود است.

حاکم بر آن در پارلمان به تصویب نمی‌رسید. حتی وقتی در سال ۱۹۳۲ کتاب خاطرات یک افسر انگلیسی چاپ شد که تجربیات خودش را به‌عنوان یک مأمور ام‌آی‌سیکس در طول جنگ اول شرح می‌داد، ام‌آی‌فایو به‌سرعت کتاب را پایکوت کرد و تا سال‌ها اجازه چاپ مجدد به آن نداد. چون خاطرات این افسر انگلیسی خبر از وجود چنین سازمانی می‌داد. هنوز هم اطلاعات مربوط به ام‌آی‌سیکس بسیار حفاظت‌شده‌تر و محرمانه‌تر از اطلاعات ام‌آی‌فایو است.

■ **بیک کاری سرویس‌های اطلاعاتی در دنیای پس از جنگ**

پس از جنگ دوم، فراغت از جنگ فعالیت‌های ام‌آی‌سیکس را کمتر نکرد و این سازمان عملیات‌های خود را در کشورهای مختلف دنیا ادامه داد. در این دوره، که تقریباً با شروع سلطنت طولانی مدت ملکه الیزابت دوم مقارن بود، ام‌آی‌سیکس همچنان در خدمت دربار و سلطنت و مشغول جنگ اطلاعاتی با کشورهای مختلف بود. یکی از شناخته‌شده‌ترین عملیات‌های سرویس مخفی انگلستان عملیات جنگ علیه لهستانی‌ها بود. این عملیات در واقع تلاش بود برای وارد کردن مخفیانه عوامل آموزش دیده اطلاعاتی به لهستان و برخی از کشورهای حوزه‌های بالٹیک تا با مقامات ضدشوروی در این کشورها ارتباط برقرار کنند که این برنامه‌ها عمدتاً در جهت تضعیف دولت‌های کمونیستی جهان بود. همچنین اس‌آی‌اس درصدد اقدامات مشابهی علیه سران دیگر کشورهای کمونیستی از قبیل ترور و ایجاد آشوب و کودتا بود. سرویس اطلاعاتی انگلیس پس از ۱۹۶۰ به‌طور گسترده‌ای به منابع مؤثری درون حکومت شوروی دست یافت، نمونه‌ای از این ماجرا اطلاعات دریافتی ام‌آی‌سیکس بود که رئیس‌جمهور ایالات متحده را واداشت به روس‌ها برای استقرار موشک‌های روسی در کوبا اولتیماتوم بدهد.

نقش فعالانه ام‌آی‌سیکس در ظهور و افول معمر قذافی را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. پس از سقوط قذافی، بسیاری از اسناد محرمانه وزارت امنیت لیبی به‌دست رهبران شورای انتقالی افتاد. این اسناد شامل اطلاعاتی از طرح‌های ترور و فسادهای مالی ام‌آی‌سیکس در همکاری با دیکتاتور لیبی بود.

طبعاً بخش زیادی از اطلاعات درباره دامنه

فعالیت‌های بزرگترین سرویس اطلاعاتی دنیا و عملیات‌های آن تا سال‌ها ناشناخته و مسکوت باقی می‌ماند اما یکی از زیرسروصداترین اقدامات سرویس اطلاعاتی انگلستان که گریبان خاندان سلطنتی را گرفت، مرگ مشکوک پرنسس دایانا و نامزدش، دودی الفایید بود. طبق اظهارات پدر دودی، ردیای فعالیت‌های ام‌آی‌سیکس در ماجرای تصادف عروس خاندان سلطنتی دیده می‌شود. گرچه ابعاد این ماجرا هیچ‌گاه به‌روشنی مشخص نشد اما خودش گویای این مطلب است که سرویس اطلاعاتی انگلستان، خارج از چهارچوب نهادی و قانونی، کاملاً به خاندان سلطنتی و رأس قدرت نظام پادشاهی وفادار است.

انگلیس برای قرن‌های متعددی بزرگترین کشور استعمارگر دنیا بوده است و مستقیم یا غیرمستقیم و با هر ابزاری که در اختیار داشته به‌چپاول کشورهای مختلفی در اقصی نقاط دنیا دست زده و قطعاً ام‌آی‌سیکس یکی از مهم‌ترین ابزارهای انگلستان برای قتل و ترور کودتا و عملیات‌های مشابه آن بوده است.

به نظر می‌رسد با توجه به سابقه طولانی سرویس‌های جاسوسی و اطلاعاتی انگلیس و بالاخص MI6، طرح‌هایی چون خاورمیانه جدید، تجزیه افغانستان، تجزیه عراق و مهم‌تر از همه تجزیه ایران، از آن دسته خواب‌های جدی است که صاحبان پنهان قدرت برای خاورمیانه دیده‌اند. بستر غنی نفت و گاز این منطقه، جاب‌هاست که نظر استعمارگر پیر را به رسماً تأیید نشده بود و اخبار و مطبوعات هیچ‌گاه گزارشی از این سازمان و فعالیت‌هایش تهیه نکرده بودند و حتی بودجه این دستگاه و قوانین